

بازآفرینی ساختار فضایی محلات تاریخی با رویکرد فرهنگ مینا (مورد مطالعه: محله ارگ مشهد)

فرید گنجعلی*، ایمان قلندریان**

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۲

نوع مقاله: پژوهشی - ۳۸-۱۹

چکیده

ساختار فضایی محلات شهری نقش اساسی در احیای و ارتقای کیفی محلات دارد با توجه به تأکید بازآفرینی فرهنگ مینا بر احیای محلات تاریخی، لذا این رویکرد می‌تواند به عنوان مولدی مناسب برای تقویت موضوعات مرتبط یا ساختار فضایی محلات تاریخی اعمال شود. این پژوهش با هدف بازآفرینی ساختار فضایی محله ارگ مشهد انجام شده است. روش این پژوهش از نوع آمیخته (کمی و کیفی) است، به طوریکه در ابتدا با تعریف معیارهای بازآفرینی فرهنگ مینا در دو محیط نرم و سخت و تفکیک آن در قالب ابعاد هفت گانه محیط شهری به تبیین معیارهای فرهنگی در مؤلفه‌های ساختار فضایی پرداخته است. در گام دوم، مسائل محله ارگ مشهد از دید نگارندگان، متخصصان و مردم با استفاده از برداشت و مصاحبه استخراج و سپس شبکه مسائل با ابزار تحلیل پژوهش کیفی (نرم افزار Gephi) ترسیم و تحلیل شده است. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد مهمترین مسائل ساختار فضایی محله ارگ مشهد عبارتند از عدم وجود فعالیت‌های شبانه روزی در محله، بی‌توجهی به ارزش‌های کهن اجتماعی، اختلال عملکردی فضا و فعالیت‌ها، کیفیت‌های محیطی نامناسب، از بین رفتن حس مکان است که می‌توان با ارائه مدلی براساس مسائل شناسایی شده پیشنهاداتی در خصوص بهبود این محله ارائه کرد.

واژگان کلیدی: بازآفرینی شهری، بازآفرینی فرهنگ مینا، ابعاد محیط شهری، ساختار فضایی، محله ارگ.

مقدمه

با افزایش شهرنشینی و رشد افقی شهرها، بخش‌های قدیمی شهر، کارایی خود را طی فرایندی (با تغییر کالبد، فعالیت و یا هر دو) از دست داده و کیفیت محیط آنها افول یافته است (عندلیب، ۱۳۹۶: ۶؛ صرافى، ۱۳۹۷: ۵۸؛ قلندریان و رفیعیان، ۱۳۹۷: ۵۰؛ ر.ک: غفوری و قلندریان، ۱۴۰۲). به گونه‌ای که این بافت‌ها ارزش گریز شده و تعادل زیستی آنها برهم خورده است و به عنوان بافت مسئله‌دار و محلات نابسامان نمود پیدا کرده‌اند (عندلیب، ۱۳۹۶: ۶؛ صرافى، ۱۳۹۷: ۵۸؛ شفائی، ۱۳۹۷: ۶۹؛ قلندریان و رفیعیان، ۱۳۹۷: ۵۰؛ ناصری و همکاران، ۱۳۹۹: ۳۳۴؛ نوین و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۷؛ بخشی و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۴۳؛ Sroda- Murawska, 2020: 1; Mirzakhani et al., 2021: 1 محلات مذکور با مشکلات مختلفی همچون سطح درآمدی نامناسب و نرخ بالای بیکاری و غیره روبه‌رو هستند (بحرینی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۸). این در حالی است که محلات تاریخی حاصل فرآیند گذر زمان در شهرها بوده و با ورود تدریجی ارزش‌ها و محتوای گوناگون در دوره‌های مختلف، نوعی هویت و شخصیتی یگانه را کسب نموده‌اند (لطفی و همکاران، ۲۰۲۱: ۲؛ ۱۳۹۷: ۲۳۰). در سال‌های اخیر به منظور مقابله با فرسودگی در محلات تاریخی راه حل‌هایی در حوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و محیطی در چارچوب بازآفرینی شهری مطرح شده است. این چارچوب دارای فرایندهایی روشن‌مند بوده و به تمامی مسائل توسعه‌ای در محلات توجه می‌کند. از جمله فرایندهای نوین و روشن‌مند در بازآفرینی شهری، بازآفرینی فرهنگ مینا بوده که در آن فرهنگ به عنوان عاملی دو سویه از یک جهت مرتبط با تاریخ و از طرف دیگر با خواست‌ها و باورهای انسان‌ها ارتباط دارد (لطفی، ۱۳۹۰؛ لطفی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۳۰؛

(Chen et al., 2020: 1; Sroda-Murawska, 2020: 2

شهر مشهد با حدود ۳ میلیون نفر جمعیت و وسعتی معادل ۳۰ هزار هکتار، دومین کلانشهر مهم ایران است. این شهر به عنوان مرکز ناحیه مشهد حدود ۷۸ درصد از جمعیت ناحیه و ۳۵ درصد از جمعیت استان خراسان رضوی را به خود اختصاص داده است و همواره در دوره‌های مختلف تاریخی نقش مهمی در سطح کشور ایفا کرده است. این شهر بنابر جایگاه مذهبی و تاریخی خود از نظر اقتصادی، اجتماعی و سیاسی دارای موقعیت خاصی است. به طوریکه همواره مجموعه‌ای از محلات تاریخی در مجاورت حرم مطهر رضوی قرار دارد که هر یک از نظر عملکردی، اجتماعی، اقتصادی و حتی از نظر سیاسی با یکدیگر متفاوت هستند (زنگنه و همکاران، ۱۳۹۲: ۵۰؛ متولی حقیقی، ۱۳۹۲؛ صرافى، ۱۳۹۷: ۵۸؛ Maroufi et al., 2017: 38). با وجود تفاوت‌ها، این محلات ساختار فضایی هماهنگ و مرتبط داشته، به گونه‌ای که عناصری نظیر مسجد، بازار، مدرسه، حمام و غیره به صورت شبکه‌ای از فضاهای شهری به هم پیوسته در آنها قابل درک است. این عملکرد هماهنگ آنها، مجموعه‌ای با معنایی را در ساختار فضایی محلات تشکیل داده و منجر به تقویت کارایی محله و شهر شده است (مینیاتور، Maroufi et al., 2017: 38).

مطابق با آمار مطرح شده از سوی وزارت راه و شهرسازی، در بیش از ۱۰۰ شهر کشور حدود ۵۰۰۰ هکتار بافت فرسوده وجود دارد که بخش عظیمی از شهر مشهد را اینگونه بافت‌ها تشکیل می‌دهد. مطابق با آمار شهرداری مشهد، قسمتی از این فرسودگی در بخش مرکزی شهر و نواحی اطراف حرم رضوی بوده و وسعت آن حدود ۳۰۰ هکتار است. همین امر سبب شده تا طرح‌های توسعه متعددی در خصوص بخش مرکزی

۱۳۹۷: ۶۹). لذا این پژوهش با هدف باز آفرینی ساختار فضایی محله ارگ مشهد به استخراج مؤلفه‌های تشکیل دهنده ساختار فضایی محلات تاریخی می‌پردازد و با تلفیق آنها با معیارهای بازآفرینی فرهنگ مینا، به ارائه راهبردهای فرهنگی به منظور افزایش پاسخگویی و تقویت ساختار فضایی این محله می‌پردازد.

پیشینه پژوهش

از آن جایی که پژوهش حاضر بر دو محور بازآفرینی فرهنگ مینا و ساختار فضایی تأکید می‌کند، لذا در این بخش از مطالعه به پژوهش‌های مرتبط با این دو مفهوم پرداخته می‌شود. جدول ۱ این پژوهش‌ها را توضیح می‌دهد.

جدول ۱: پیشینه پژوهش‌های حوزه بازآفرینی فرهنگ

شهر اتخاذ شود. این طرح‌های توسعه که عمدتاً از سال ۱۳۷۰ آغاز و تاکنون ادامه یافته، بعضاً به واسطه تخریب‌های گسترده و بی‌توجهی نسبت به ساختار فضایی وضع موجود، منجر به فرسودگی و کاهش منزلت این محلات تاریخی شده‌اند (زنگنه و همکاران، ۱۳۹۲: ۵۰؛ صفدری و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۰؛ صیامی و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۶؛ عندلیب، ۱۳۹۶: ۶؛ معیدی فر، ۱۳۹۷: ۶۹؛ Maroufi et al, 2017: 38). محله ارگ که از جمله محلات تاریخی شهر مشهد بوده نیز از این قاعده مستثنی نیست. این محله -که در بخش مرکزی شهر مشهد قرار داشته- همواره در دوره‌های مختلف زمانی دارای فراز و نشیب‌های فراوانی بوده و به مرور زمان دچار استهلاک شده است (ر.ک: متولی حقیقی، ۱۳۹۲؛ شفائی، ۱۳۹۷: ۶۹؛ معیدفر،

مبنا و ساختار فضایی

پژوهشگران	مقیاس	محورهای بررسی
(Montgomery, 2003)	خرد- محله	مشخص سازی حوزه‌های تأثیرگذاری بازآفرینی فرهنگ مینا بر بستر در سه بعد فرم، عملکرد و معنا و سپس مطرح کردن راهبردهایی در این بستر نظیر ترکیب فعالیت‌های فرهنگی با فعالیت‌های ثانویه، تزیین کارکردهای شبانه نظیر کافه‌های فرهنگی، تعریف رویدادهای جمعی فرهنگی. نمونه موردی: دوبلین (ایرلند)، آدلاید (استرالیا)، شفیلد و منچستر (انگلستان)
(Lazarevic et al., 2015)	خرد- محله	استفاده از فرهنگ به عنوان وسیله‌ای برای بهبود مناطق محروم و محلات طراحی نشده. اتخاذ راهبردهای نظیر بهبود عملکرد تجارت منطقه ای، افزایش سرمایه گذاری در کالبد قطعات فرسوده محله، باز تعریف هویت و فرهنگ بومی متناسب با شرایط جدید، افزایش هم‌پیوندی اجتماعی با سایر نقاط شهر، اشتغال‌زایی و افزایش جذب توریست با توجه به بستر غنی فرهنگی و کالبدی. نمونه موردی: بلغراد (صربستان)
(Chen et al., 2020)	کلان- شهر	تحلیل محورهای کلی معرفی شده در دو پروژه بازآفرینی. وجود پیوند عمیق بین بستر، فرهنگ و ذی‌نفعان دارای موقعیت‌های مختلف و شکل‌گیری چرخه بازآفرینی در طول زمان، ممکن است با عدم وجود قطعیت در موفقیت بستر در پذیرش تغییرات شکل گرفته ناشی از فرآیند بازآفرینی فرهنگ مینا منتهی شود. نمونه موردی: گوانژو (چین)
(Lak et al., 2019)	کلان- شهر	تحلیل محتوایی ویژگی‌های فرهنگی و تاریخی شهر بیرجند. شناسایی چهار عامل تأثیرگذار در امر بازآفرینی فرهنگی نظیر مدیریت فرهنگی بستر، تعریف رویداد یا فعالیت‌های فرهنگی، تعاملات بین گروه‌های ذی‌نفع و ذی‌نفع، توجه به ظرفیت‌های تاریخی و فرهنگی درونی بستر که توجه به این چهار عامل منجر به تقویت شرایط محلات می‌شود. نمونه موردی: بیرجند (ایران)
(Dejana et al., 2019)	خرد- خیابان	بررسی تأثیرات فرهنگی بر شکل‌گیری تغییرات گسترده شکل گرفته در یک خیابان شهری در سه دوره مختلف از طریق شناسایی معیارهای در بستر موجود خیابان نظیر ویژگی‌های فرهنگی تأثیرگذار در شکل‌گیری تغییرات، الگوهای استفاده از فضاهای شهری، نوع فعالیت‌های فرهنگی مردم در بستر موجود، میزان تمایل به همکاری بخش‌های خصوصی در تعریف پروژه‌های فرهنگی. نمونه موردی: نوی سد (صربستان)

پژوهشگران	مقیاس	محورهای بررسی
(لطفی و همکاران، ۱۳۹۷)	میانی- بافت	تبیین اصول و آموزه‌های بازآفرینی شهری فرهنگ مینا و راهبردهای قابل استفاده آن در بافت‌های تاریخی. مطرح کردن راهبردهای نظیر ارتقای کالبد و زدودن تصویر ذهنی زوال یافته با احترام به گذشته، بازگرداندن بافت به دوره‌ای شناخته شده، احیای مسیرهای ارتباطی پیشین، تامین عملکردهای متنوع با در نظرگیری بالقوگی تاریخی. نمونه موردی: شیراز (ایران)
(صفیدی و همکاران، ۱۳۹۸)	میانی- بافت	ایجاد ارتباط پیوندی عمیق بین رویکرد بازآفرینی فرهنگ مینا و توسعه اجتماع محلی با در نظرگیری دو عمل فرهنگ و اجتماع. مطرح کردن راهبردهای نظیر، توسعه کاربری‌های مختلف و تنوع مشاغل در محله با حمایت همه جانبه، تقویت عرصه عمومی از طریق گسترش فضاهای عمومی محله، تعریف الگوهای متنوعی از فعالیت‌های شبانه، تشویق پیاده‌مداری، احیای مراکز محله و معاصر سازی براساس ویژگی‌های فرهنگی محله، خلق تصویری شاخص و با هویت از محله، استفاده از ظرفیت‌های موجود در محله برای تشویق کسب و کار و ایجاد اشتغال محلی در درون محله. نمونه موردی: قزوین (ایران)
(صفدری و همکاران، ۱۳۹۳)	میانی- بافت	بررسی ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی، کالبدی، ادراکی، زمانی و عملکردی محلات فرهنگی در قالب سه بعد فرم، عملکرد و معنا و مطرح کردن راهبردهای فرهنگی در بستر ساختار فضایی محله همچون، تغییر کاربری بناهای فرسوده به کاربری‌های مورد نیاز محدوده، استفاده از گونه‌های مختلف فرم ساختمان، سبک‌ها و طراحی‌های سازگار با هویت محدوده، ایجاد هم‌پیوندی بین مجموعه‌های قدیمی و جدید محدوده از طریق احیاء فضاهای شهری قدیمی، اختصاص سطح قابل قبولی از کاربری‌های تجاری به افراد ساکن محل، شامل کسب و کارهای مستقل و عام. تعریف زندگی خیابانی فعال با ایجاد جداره‌های فعال در خیابان. نمونه موردی: مشهد (ایران)
(قرانی و همکاران، ۱۳۹۶)	کلان- شهر	بررسی ارتباط بین مؤلفه‌های فرم شهر و ساختار فضایی با مؤلفه‌های پایداری در مناطق شهری تهران، طبقه‌بندی شاخص‌های فرم و ساختار فضایی شهر به سه دسته کلان، میانی و خرد، نتایج این پژوهش نشان داد، در مقیاس میانی شاخص‌های نظیر ویژگی‌های بعد عملکردی، اجتماعی، زیست محیطی، اقتصادی و مدیریتی در فرم شهر و ساختار فضایی هم‌همپوشانی داشته در صورتی که در مقیاس کلان شاخص‌های ساختار فضایی نظیر بعد ریخت شناسی و در مقیاس خرد شاخص‌های فرم شهر نظیر بعد بصری و ادراکی و تا حدودی ریخت شناسی به صورت روشن تری می‌توانند به تبیین ارتباط بین این شاخص‌ها با شاخص‌های پایداری بپردازند. نمونه موردی: تهران (ایران)
(ملک زاده و همکاران، ۱۴۰۰)	کلان- شهر	عدم وجود درکی روشن از مفهوم ساختار فضایی و غالباً پژوهش‌های شکل گرفته تنها به مفهوم ریخت‌شناسی در ساختار فضایی توجه داشته و سایر ابعاد نظیر ابعاد عملکردی، اجتماعی و غیره مورد بی‌توجهی قرار داشته است. در این راستا، این پژوهش به بررسی و درک عمیق مطالعات و بسط مفاهیم ساختار فضایی اشاره دارد.

مبانی نظری پژوهش

ساختار فضایی محلات تاریخی

مداخله و طراحی در فضاهای شهری مرتبط در محلات تاریخی شهرها، اهدافی همچون حفاظت، احیاء و توسعه شهری را در دارد که این اهداف با توسعه‌های اجتماعی و اقتصادی هم سو است (صفدری و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۰). رویکرد ترکیب فضاهای شهری

برای باز آفرینی محلات فرسوده سبب پر رنگ تر شدن نقش مجموعه‌ای از عناصر شاخص و با اهمیت تاریخی شده است که به واسطه بهره‌گیری از مولدهای فرهنگی از طریق تزریق جریان‌ها، کاربری‌ها و رویدادهای متنوع به تعاملات انسانی انجامیده و سبب رونق و احیای مجدد ساختار فضایی محلات می شود. (صفدری و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۰; Živković, 2019: 4). در این راستا، شکل‌گیری

و همکاران، ۱۴۰۰: ۴۳) می‌توان چهار مؤلفه کلی برای ارائه اقدامات طراحی در ساختار فضایی محلات تعریف کرد. این مؤلفه‌ها شامل: سیستم‌های حرکت و دسترسی شهر (Lehmann, 2010)، عرصه‌های باز و همگانی شهر (Lehmann, 2010; Živković, 2019: 3)، پهنه‌های خدماتی و درنهایت تاسیسات و زیرساخت‌های شهری بوده و ایجاد تغییرات در ساختار فضایی هر محله نیاز به تعریف زیرمؤلفه‌هایی در راستای این چهار مؤلفه کلی دارد (ر.ک: بذرگر، ۱۳۸۶؛ پاکدامن، ۱۳۷۰).

در این راستا، به منظور تبیین بهتر زیرمؤلفه‌های ساختار فضایی، می‌توان از حیث جنس تأثیرپذیری، آنها را منطبق بر ابعاد طراحی شهری پیشنهادی کرمانا، به هفت دسته کلی، ریخت‌شناسی، عملکردی، اجتماعی، بصری، ادراکی، زمانی و مدیریتی تقسیم‌بندی کرد (ر.ک: Carmona et al., 2011). مطالعه حاضر با بررسی ارتباط میان مؤلفه‌های چهارگانه ساختار فضایی با ابعاد هفت گانه طراحی شهری، به تعریف زیرمؤلفه‌های ساختار فضایی محلات تاریخی کمک می‌کند. جدول ۲ این زیرمؤلفه‌ها را بر اساس مطالعه منابع مرتبط نشان می‌دهد.

پدیده‌ای برای اتصال فضاهای شهری به یک دیگر (Dempsey et al., 2009)، سبب تداوم حیات فضاهای شهری و ارتباط آنها با هم می‌شود (مینیاتور، ۱۳۹۱: ۴۵). علاوه بر این، ساختار فضایی محلات همچون عنصری تاریخی با دوره‌های زمانی مختلف در ارتباط بوده به گونه‌ای که همواره در طول زمان در حال تغییر و تحول است. در این راستا، توجه به ساختار فضایی محلات در احیا و خلق ارزش‌های گذشته و شکل‌گیری هویت جدید تأثیرگذار است (حمیدی و همکاران، 1376؛ Dempsey et al., 2009).

در هر محله ساختار فضایی از دو بخش اصلی (محور اصلی) و فرعی (پرکننده‌ها) تشکیل شده است و هر ساختار همواره دارای سه عنصر کلی - شبکه‌های اصلی دسترسی، مراکز عمده فعالیت و عناصر اصلی شهر - است که از این طریق امکان شناسایی ساختار فضایی فراهم می‌شود (بذرگر، ۱۳۸۶؛ بحرینی و همکاران، ۱۳۸۸؛ Dempsey et al., 2009; Živković, 2019: 2). با توجه به تعریف ساختار اصلی و نقش آن در احیای محلات، با در نظرگیری منابع مختلفی که در خصوص ماهیت ساختار فضایی محلات و حوزه‌های تأثیرگذاری آن بر ابعاد مختلف محیط شهری مطالعه شده است (بذرگر، ۱۳۸۶؛ حمیدی و همکاران، ۱۳۷۶؛ ملک زاده

جدول ۲: مفهوم شناسی ساختار فضایی بر اساس ابعاد محیط شهری

مؤلفه‌های ساختار فضایی				ابعاد محیط شهری
تاسیسات و زیرساخت	پهنه‌های خدمات	عرصه‌های باز همگانی	سیستم حرکت و دسترسی	
ارتباط فضایی و معنایی کارکردهای شاخص موجود در ساختار اصلی از طریق تاسیسات و زیرساخت‌ها	جلوگیری از زوال و کاهش کیفیت شبکه شهری با تعریف عملکردهای نوین و متناسب با نیاز روز در قطعات فرسوده یا تاریخی/توجه به تمرکز و تراکم کالبدی مشخص در لبه‌های اصلی شبکه کلان ارتباطی/ توجه به رابطه بین فرم و عملکرد در بستر موجود	وجود فرم‌های متنوع و ترکیب فضای نرم و سخت در فضا/ تأمین ایمنی استفاده کنندگان با تفکیک مشخص مرز سواره از پیاده	وجود فرم‌های مختلف ساختار فضایی/ پایداری فرم‌های معماری به واسطه موقعیت شاخص و کارکرد آنها/ ابعاد و اندازه فرم فضاها به واسطه شاخص بودن اتفاقات/ همبستگی قوی بین بافت کالبدی تاریخی با ساختار فضایی موجود/ شبکه حمل و نقل قوی چندگانه پیاده، حمل و نقل عمومی و تلفیق آنها در درون بافت‌های شهری و پیوند قوی آن با کل شبکه شهری	مورفولوژی (بذرگر، ۱۳۸۶؛ بحرینی و همکاران، ۱۳۸۸؛ حمیدی و همکاران، ۱۳۷۶؛ ملک زاده و همکاران، ۱۴۰۰؛ رزاقی و همکاران، ۱۳۹۰؛ زبردست و همکاران، ۱۳۹۰؛ رضایی و همکاران، ۱۳۹۶؛ Jenks, Jones, 2009; Živković, 2019)

مؤلفه‌های ساختار فضایی				ابعاد محیط شهری
تاسیسات و زیرساخت	پهنه‌های خدمات	عرصه‌های باز همگانی	سیستم حرکت و دسترسی	
	مقیاس عملکردی متنوع و جداره‌های فعال شهری و اهمیت کارکردی فعالیت‌های موجود در لبه‌های ساختار کلان شبکه	تلفیق فعالیت‌های تجاری با فعالیت‌های تفریحی، فراغتی و فرهنگی در شبکه کلی ارتباطی	ارتقای حضورپذیری در خرده فضاهای شهری با تعریف رویدادهای موقت و دائمی در بستر زمینه موجود	عملکردی (حمیدی و همکاران، Remesar, 2020؛ ۱۳۷۶؛ Živković, 2019؛ Lehmann, 2010)
	تردد اجتماعی بالا به واسطه فعالیت‌های شاخص شهری/ محلی برای شکل‌گیری برخوردها و تعاملات اجتماعی بین استفاده‌کنندگان	تعریف عرصه‌های عمومی سبز با هدف ارتقای همپیوندی اجتماعی در ساختار اصلی و ایجاد پیوند بصری و فیزیکی بین نقاط مختلف آن		اجتماعی (بزرگر، 1386؛ Živković, 2019)
	استفاده از عناصر نمادین و یادمانی به صورت کریدورهای دید نقطه‌ای یا گسترده نظیر ساختمان‌های شاخص و دولتی در طول شبکه به منظور اغنای استفاده‌کنندگان در طول ساختار شبکه.		همپیوندی بصری بین شبکه فضاهای باز و سبز شهری از طریق شبکه کلان ارتباطی	بصری (بزرگر، ۱۳۸۶)
تقویت خوانایی محیط با استفاده از المان‌های شهری	ایجاد مبلمان و عناصر یادمانی با عملکرد خاص با هدف تقویت حس تعلق و همچنین ارتقای ادراک ساختار اصلی/ هویت‌مندی با استفاده از مصالح بومی و پایدار شهری	تعریف عناصر و اجزای کارکردی یا غیرفعال مشخص جهت متمایز ساختن فضاها و تقویت حس مکان	وجود ارزش‌های اجتماعی و معنایی به واسطه ترکیب کارکردهای بومی و جدید در ساختار فضایی	ادراکی (بزرگر، 1386؛ Živković, 2019؛ Remesar, 2020)
تامین راحتی و آسایش فضاهای شهری و امنیت با تخصیص خدمات روساختی نظیر المان‌ها و پوشش گیاهی	زنده نگه داشتن حیات خیابان در طول روز (فعالیت‌های با بیش از ۱۶ ساعت فعالیت) با بهره‌گیری از عملکردهای فعال	فضاهای عمومی و نیمه عمومی قابل دسترس برای همه افراد جامعه در تمام ساعات روز		زمانی (حمیدی و همکاران، Živković, 2019؛ 1376؛ Remesar, 2020)
	تلفیق بازارهای کار مشترک، همپوشان و مرتبط با شبکه شهری از طریق شبکه‌های کلان ارتباطی	جهت‌دهی برنامه ریزان و توسعه دهندگان املاک و مستغلات و سرمایه‌گذاران بر رشد در طول شبکه کلان و تأثیر در رقابت‌پذیری اقتصادی بین بخش‌های مختلف عملکردی	توزیع متعادل خدمات و فعالیت‌های اقتصادی از طریق شبکه کلان ارتباطی بین نواحی شهری	مدیریتی (حسینی و همکاران، 1399؛ Wei et al., 2020)

(بزرگر، ۱۳۸۶؛ رزاقی و همکاران، 1390:78؛ Živković, 2019: 6). در نتیجه، مؤلفه پهنه خدمات علاوه بر بعد عملکردی، تحت تأثیر ابعاد مورفولوژی، ادراکی و بصری نیز می‌باشد. مؤلفه تاسیسات و زیرساخت‌ها نیز، بیشتر تحت تأثیر شبکه‌های کلان ارتباطی بوده و با تغییر این شبکه در طول زمان، تاسیسات و زیرساخت‌های تعریف شده نیز دچار تحول می‌شوند (زبردست و همکاران، 2020: 36؛ Lehmann, 2010; Remesar, 2020). در نتیجه این مؤلفه تحت تأثیر تحولات شکل گرفته در ابعاد مورفولوژی و زمانی می‌باشد.

با توجه به جدول ۲ می‌توان گفت، ساختار فضایی دربرگیرنده زیرمؤلفه‌هایی است که امکان شکل‌گیری تحولات جدید و متناسب با نیازهای نوین را در قالب پروژه‌های بازآفرینی فراهم می‌کند. این پروژه‌ها با هدف بهبود شرایط موجود و ارتقای رشد اقتصادی، کالبدی، اجتماعی و فرهنگی محلات شهری تعریف می‌شوند و ویژگی‌های منحصر به فرد محلات را در دوره‌های تاریخی مختلف نمایان می‌کنند (حمیدی و همکاران، ۱۳۷۶؛ صفدری و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۹).

بازآفرینی فرهنگ مینا

بازآفرینی به مفهوم احیا کردن، با هدف رسیدن به پایداری است. این مفهوم دارای سه هدف افزایش قدرت رقابت، مسکن کافی و بهبود کیفیت محیط شهری می‌باشد (Gokce et al., 2021: 1078; Xu et al., 2022: 2; Ghalandarian et al., 2023: 40). در یک تعریف کلی، بازآفرینی شهری، عبارت است از مجموعه اقداماتی که ضمن شناخت ابعاد اقتصادی، کالبدی، اجتماعی، زیست‌محیطی و فرهنگی شهرها، به دنبال افزایش کیفیت زندگی و شکوفایی اقتصادی ضمن حفظ ارزش‌های اصیل در

با توجه به تبیین مفهوم ساختار فضایی در محلات تاریخی می‌توان گفت، ساختار فضایی محلات همواره به واسطه مؤلفه‌های چهارگانه سیستم‌های حرکت و دسترسی، عرصه‌های باز و همگانی، پهنه‌های خدماتی و درنهایت تاسیسات و زیرساخت‌های شهری شاکله محلات را شکل می‌دهند (ر.ک: بزرگر، ۱۳۸۶؛ پاکدامن، ۱۳۷۲). به طوریکه هر مؤلفه با توجه به ماهیت خود به نوعی در جریان مداخله تحت تأثیر قرار می‌گیرد (ر.ک: بزرگر، ۱۳۸۶؛ حمیدی و همکاران، ۱۳۷۶). مؤلفه سیستم‌های حرکت و دسترسی شهر که در برگیرنده مجموعه عناصر موجود در محلات بوده و پیوند بین نقاط مختلف را تعریف می‌کند، به واسطه تغییر و تحولات فیزیکی شکل گرفته در محلات و ترکیب کارکردهای بومی و جدید (ر.ک: بزرگر، ۱۳۸۶؛ حمیدی و همکاران، ۱۳۷۶؛ Lehmann, 2010)، بیشتر تحت تأثیر بعد مورفولوژی و ادراکی قرار دارد. گرچه با پیوند بین نقاط مختلف در بستر ساختار فضایی تحت تأثیر بعد مدیریتی نیز می‌باشد (ر.ک: Wei et al., 2020). عرصه‌های باز و همگانی با وجود تامین بستر لازم برای شکل‌گیری تعاملات اجتماعی دائمی در محلات نیز بیشتر از طریق ابعاد ادراکی، اجتماعی و زمانی تأثیر می‌پذیرد (بزرگر، ۱۳۸۶؛ Živković, 2019: 6). پهنه خدمات که در برگیرنده فعالیت‌های با مقیاس‌های متنوع در بستر ساختار فضایی می‌باشد، به تامین نیازهای مقیاس خرد تا منطقه محلات می‌پردازد (Lehmann, 2010). در واقع، بیشتر تحولات شکل گرفته در پهنه خدمات در بعد عملکردی تعریف می‌شود. این فعالیت‌ها به مرور زمان متناسب با نیازهای بستر دچار تحول می‌شوند و به واسطه شکل‌گیری کارکردهای جدید، بستر کالبدی موجود را نیز دچار تحول کرده و به نوعی از نظر فرمی آن را دگرگون می‌کند

یک ساختار فضایی کلان است (Mirzakhani et al., 2021: 3; Roberts et al., 2000; Xu et al., 2022: 2). تاکنون زیرشاخه‌هایی منصوب به بازآفرینی مطرح شده است. از جمله این زیرشاخه‌ها بازآفرینی فرهنگی می‌باشد که نمونه‌های آغازین آن، در ایالت متحده شکل گرفته است (Florida, 2005; Montgomery, 2003: 295). در این رویکرد فرهنگ به عنوان ابزاری برای احیای محدوده‌های زوال یافته و جوامع محرومی که ساکن آن محدوده‌ها هستند مطرح می‌شود (Środa-Murawska, 2020: 2; Ghalandarian et al, 2023: 40). بازآفرینی فرهنگی را می‌توان به عنوان رویکردی آگاهانه برای بازآفرینی محلات روبه زوال مطرح کرد (لطفی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۳۱؛ ناصری و همکاران، ۱۳۹۹: ۳۳۹؛ نوین و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۹).

بازآفرینی فرهنگ مینا با هدف دستیابی به ساز و کاری اقتصادی اهدافی نظیر، تقویت گردشگری فرهنگی (Środa-Murawska, 2020: 2)، استفاده کارا از فضاهای شهری، کاهش زوال فیزیکی فضا، تقویت هویت (خان محمدی و همکاران، ۱۳۹۵: ۷۴؛ باستانی و حنایی، ۱۳۹۹: ۴؛ Lazarevic et al., 2015: 2). جذب سرمایه گذاران، رقابت پذیری (Lazarevic et al., 2015: 3; Smyth, 2015) و کاهش خسارات محیط شهری را مطرح کرده و با در نظر گرفتن فرهنگ به عنوان عامل اصلی این دستیافت به ایجاد رویدادهای فرهنگی و محله‌های فرهنگی می‌پردازد (Evans et al., 2004; Florida, 2005; Middleton et al., 2008). از این حیث بازآفرینی فرهنگ مینا را به دو شکل می‌توان در محلات تاریخی شهر مطرح کرد: برنامه ریزی فرهنگی و محلات فرهنگی.

برنامه‌ریزی فرهنگی به منظور شکل‌گیری فعالیت‌هایی که از نظر اقتصادی منجر به جذب گردشگر و سرمایه می‌شود، بسیار

حائز اهمیت است (باستانی و حنایی، ۱۳۹۹: ۴؛ نوین و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۰). این برنامه‌ریزی با ارائه راهبردهایی با به نمایش گذاشتن ویژگی‌های فرهنگی محلی در قالب شهر امروزی و پذیرش شهر گذشته در جهت رفع رکود اقتصادی، اشتغال‌زایی بومی، رفع مشکلات اجتماعی، کالبدی و شاخص شدن شهرها حرکت می‌کند (Kim, 2015: 3; Lazarevic et al., 2015: 2; Quinn, 2010: 268; Środa-Murawska, 2020: 2). دیدگاه به پیش بینی توسعه‌های مبتنی بر فعالیت‌های پرچمدار هنری و رویدادهای موثر فرهنگی می‌پردازد و با تلفیق این رویدادها با زمینه‌های تاریخی شهر، به احیای گردشگری فرهنگی و فضاهای شهری در مناطق فرسوده شهرها کمک می‌کند (Lazarevic et al., 2015: 3; Środa-Murawska, 2020: 2). این رویدادهای فرهنگی به تنهایی مورد توجه قرار ندارند بلکه آنچه آنها را حائز اهمیت می‌کند هم‌نواپی فعالیت‌ها در یک طیف فرهنگی تعریف شده یکسان و رقابت پذیری و بازدهی اقتصادی آنها می‌باشد (Baek et al., 2021: 13; Chen et al., 2020: 2).

محلات فرهنگی به محله جغرافیایی گفته می‌شود که از بالاترین تمرکز امکانات، خدمات فرهنگی و تفریحی برخوردار بوده و بستری لازم برای پیشبرد اهداف بازآفرینی فرهنگ مینا فراهم می‌کند (Kim, 2015: 3). محله‌های فرهنگی، معمولاً بخشی از بافت‌های مرکزی شهرها بوده که واجد ارزش‌های تاریخی، زیبایی‌شناسانه، قوم‌شناسانه و باستان‌شناسانه هستند و با پیشینه و ساختار کالبدی ارزشمند خود محلی مناسب برای شکل‌گیری کارکردهای فرهنگی ایجاد می‌کنند. این مناطق از نظر عملکردی مختلط هستند و با هم‌پیوند شدن با فعالیت‌های فرهنگی درصدد رسیدن به حس تعلق جمعی، هویت اجتماعی، همه

محیط سخت براساس جنس اقدام (Falanga, 2022: 2)، طبقه‌بندی شده است. محیط نرم را می‌توان سیاست‌ها، اقدامات و محرکه‌های دخیل در ساختار فضایی و محیط سخت را ویژگی‌های فیزیکی و کارکردی محیط دانست که بستری را برای شکل‌گیری محیط نرم فراهم می‌کند. جدول ۳ بیانگر این موضوع است.

شمولی اجتماعی و ارتقای تصویر روشن از محله می‌باشند تا از این طریق به جذب سرمایه و ورود به عرصه رقابت‌پذیری در سطح جهانی کمک کنند (Mccarthy, 2005: 281; Ward, 2016; Montgomery, 2003: 298; Środa-Murawska, 2020: 2). به منظور فهم بهتر، ویژگی‌های بازآفرینی فرهنگ مینا در ابعاد ۷ گانه موثر بر کیفیت محیط به تفکیک محیط نرم و

جدول ۳: معیارهای بازآفرینی فرهنگ مینا در قالب ابعاد کلی فضای شهری

ابعاد	ویژگی‌های محیط نرم	ویژگی‌های محیط سخت
مورفولوژی (صفدری و همکاران، ۱۳۹۳؛ لطفی و همکاران، 1397 (Montgomery, 2010)	ارتباط بین ساختار کالبدی عناصر جدید و قدیم/ شکل دهی به مجموعه‌ای یکپارچه و شاخص به لحاظ کالبدی/ شاخص بودن فضاهای عمومی/ پاسخگویی در برابر نیازهای فعلی و پذیرش کاربری‌های فرهنگی با ارتقای کالبد/ ارتباط بین عرصه‌های عمومی مختلف با همپوندی در یک شبکه کلان	استفاده از بافت‌های تاریخی و به کارگیری آنها در ایجاد مکان سوم و محله‌های فرهنگی که جاذب گروه‌های هنری است
عملکردی (لطفی و همکاران، ۱۳۹۷؛ مولایی و همکاران، ۱۳۹۶؛ صفدری و همکاران، Dejana et al., 1393 (2019)	تنوع در جنس فعالیت‌ها و تغییر در نوع دسترسی به فضا متناسب با جنس فعالیت	در نظرگیری عملکردهای فرهنگی که منجر به تقویت محل می‌شود/ بخشیدن جان تازه به ماهیت و عملکرد محله با تعریف کارکردهای ثانویه مرتبط با فرهنگ
اجتماعی (صفدری و همکاران، ۱۳۹۳؛ مولایی و همکاران، ۱۳۹۶؛ لطفی و همکاران، Lazarevic et al., 1397 (2015)	تلفیق کارکردها در بستر فضا و تقویت حضور افراد به واسطه دوگانگی کارکردها/ احیای مسیرهای ارتباطی و گذرهای پیشین	تعریف فعالیت و رویدادهای همگانی دائمی و موقت در فضا/ تغییر نگرش استفاده‌کنندگان نسبت به محل زیست خود/ فرصت دادن به گروه‌های هدف برای مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی/ مشارکت بین سرمایه‌گذاران و نهادهای مردمی/ جلب مشارکت هنرمندان به عنوان مدیران فضا/ افزایش اشتیاق و تمایلات مردم به حضور در برنامه
بصری (لطفی و همکاران، ۱۳۹۷)	بهره‌گیری از گونه‌های متنوع ساختمانی/ ارائه سبک‌ها و طراحی‌های سازگار با روح محله	
ادراکی (صفدری و همکاران، ۱۳۹۳؛ لطفی و همکاران، ۱۳۹۷)	خوانایی محله و امکان شناسایی مکان/ تقویت حس تعلق به محل کسب و کار و زندگی و ارائه تصویری فرهنگی از محیط/ ارتقای کالبد و زدودن تصویر ذهنی کالبد زوال یافته و کهنه	
زمانی (مولایی و همکاران، ۱۳۹۶؛ لطفی و همکاران، Dejana et al., 1397 (2019)	نگاه به گذشته، حال و آینده و القای حس پیشرفت از یک مکان	تحول یک مکان و تصویرسازی از آن در اذهان/ توجه به مکان‌های سوم و تعریف رویدادهای متنوع فرهنگی و هنری در بستر آنها متناسب با زمینه محل/ تعریف فعالیت‌های موقت یا دائمی مشخص انعطاف‌پذیر برای فضا در ساعات ابتدایی و انتهایی روز
مدیریتی (مولایی و همکاران، ۱۳۹۶؛ صفدری و همکاران، Jung et al., 1393 (2015; G. Kim et al., 2020; Li et al., 2020)		ساماندهی برنامه‌ها و طرح‌های فرهنگی در برنامه‌های آینده/ مدیریت فضاهای شهری و اتخاذ سیاست‌های بلند مدت اقتصادی/ همکاری سازمان‌های فرهنگی و اجتماع محلی/ مدیریت سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در بافت‌های تاریخی/ مدیریت زمین و استفاده از اراضی فاقد فعالیت در بافت‌های تاریخی/ گستردگی فعالیت‌های همگانی فرهنگی و شکل گرفتن نگاه‌های اقتصادی خرد با صنایع فرهنگی

مداخله در محلات تاریخی با رویکرد بازآفرینی فرهنگ مبنا می تواند ساختار فضایی این محلات را ارتقا داده و ضمن حفظ و تقویت ارزش های زیستی، محله را برای پاسخگویی به نیازهای فعلی کاربران آماده نماید. جدول ۴ چگونگی ارتباط میان زیرمعیارهای بازآفرینی فرهنگ مبنا و زیرمؤلفه های ساختار فضایی را نشان می دهد. در این جدول (جدول ۴)، حوزه مداخله بازآفرینی فرهنگ مبنا (در دو محیط

نرم و سخت) در تناظر با زیرمؤلفه های ساختارفضایی و به تفکیک ابعاد هفتگانه محیط شهری قرار گرفته است. به عبارتی این جدول پیشنهادات بازآفرینی فرهنگ مبنا را برای ارتقاء کیفیت ساختار فضایی نشان می دهد. بدیهی است بنابر ماهیت بازآفرینی فرهنگ مبنا، غالب زیرمعیارهای فرهنگی تعریف شده در بعد محیط نرم قرار داشته که حاکی از توجه به پتانسیل های محیط و حفظ فرم فیزیکی (Falanga, 2022: 1) موجود می باشد.

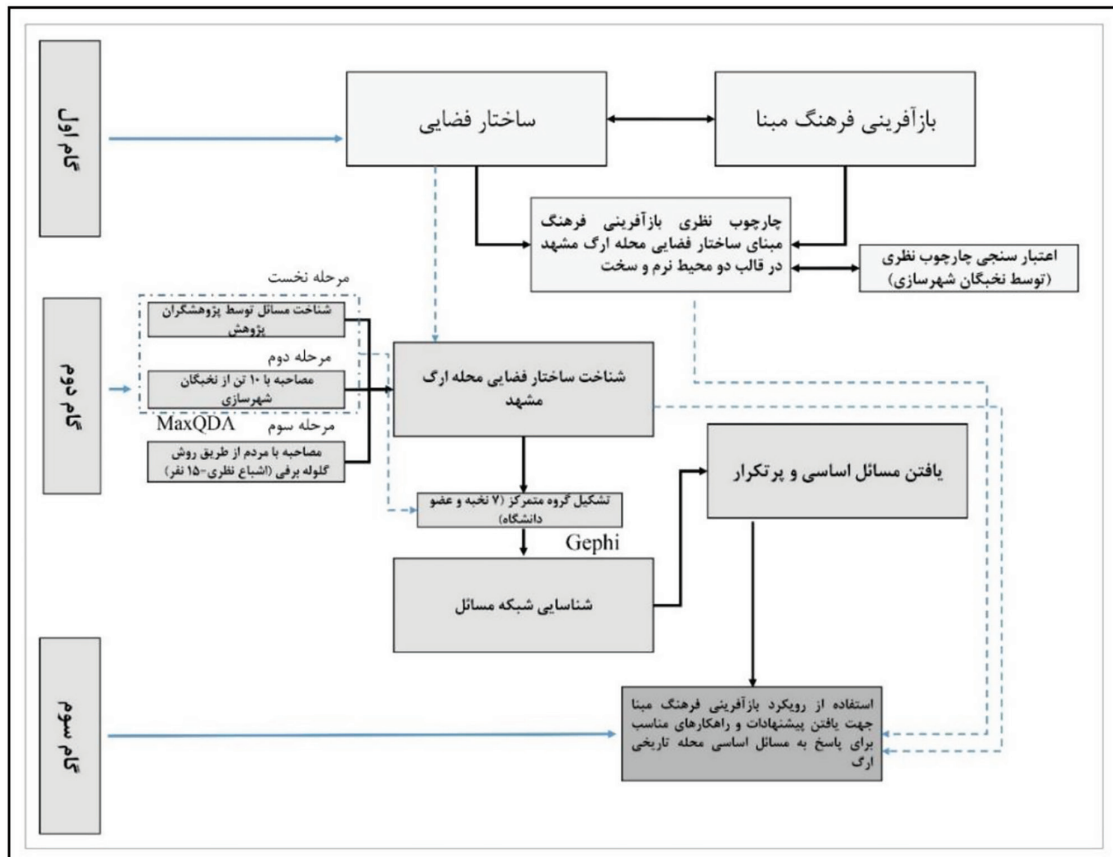
جدول ۴: تعریف معیارهای بازآفرینی فرهنگ مبنا در چارچوب ساختارفضایی

ساختار فضایی				ابعاد محیط شهری
تاسیسات و زیرساخت ها	پهنه های خدماتی	عرصه های باز و همگانی	حرکت و دسترسی	
	استفاده از پتانسیل گذارهای تاریخی و استفاده از آنها برای ایجاد جایگاه سوم و عرصه های فرهنگی جذب گروه های خلاق/ احیای راه های ارتباطی و هاب های قبلی		ارتباط بین مناطق متمایز با ارتباط بین فضاها در یک شبکه کلان/ رابطه بین عناصر جدید و قدیم ساختار فضایی / پاسخگویی به نیازهای دوره معاصر و پذیرش کارکردهای فرهنگی با بهسازی ساختمان ها	مورفولوژی
	تنوع در نوع فعالیت ها و تغییر در نوع دسترسی به فضا به دلیل فعالیت ها	بازآفرینی عملکردی محله ها با تعریف کاربری ثانویه مرتبط با فرهنگ/ مدیریت فضاهای شهری و اتخاذ سیاست های بلندمدت اقتصادی.		عملکردی
		ادغام کارکردها در فضا و تقویت حضور مردم از طریق انواع کارکردها/ تعریف فعالیت های انعطاف پذیر موقت یا دائمی خاص برای فضاها	استفاده از پتانسیل گذارهای تاریخی و استفاده از آنها برای ایجاد جایگاه سوم و عرصه های فرهنگی جذب گروه های خلاق	اجتماعی
	ارائه سبک ها و طرح های سازگار با محلات شهری		استفاده از گونه های مختلف ساختمانی	بصری
	تقویت حس تعلق به محل کسب و کار و زندگی و ارائه تصویری فرهنگی از محیط	خوانایی محلات و فضاهای شهری		ادراکی
دگرگونی و تجسم یک مکان در طول دوره	در نظر گرفتن مکان های سوم و تعریف رویدادهای مختلف فرهنگی و هنری با توجه به بافت مکان	ایجاد فضاهای شهری شاخص و برجسته		زمانی
	همکاری تشکلهای فرهنگی و جامعه محلی و مدیریت سرمایه گذاری بخش خصوصی در بافت های تاریخی/ مشارکت سرمایه گذاران و نهادها و جلب مشارکت هنرمندان به عنوان مدیران فضا			مدیریتی

روش تحقیق

این پژوهش با رویکرد آمیخته‌ی کمی و کیفی و با استفاده از روش توصیفی به انجام رسیده است. به منظور تقویت پژوهش و ضرورت اطمینان از یافته‌ها و جلوگیری از سوگیری‌های احتمالی از زاویه بندی بهره گرفته شد (قلندریان، ۱۴۰۱: ۳۰). به گونه‌ای که پس از استخراج چارچوب نظری مورد نظر مبتنی بر مرور منابع، از نظرات سه تن از کارشناسان ارشد شهرسازی به منظور اصلاح، تکمیل و تأیید آن، استفاده گردید. شناخت ویژگی‌های ساختار فضایی محله ارگ نیز براساس برداشت نگارندگان، مصاحبه نیمه ساخت یافته با متخصصان و مردم انجام شده است. روش نمونه‌گیری در مصاحبه با متخصصان به شکل نظری و در مردم به شکل گلوله برفی (بر اساس میزان شناخت

و مورد اعتماد بودن توسط ساکنان) شکل گرفت. در این مرحله تعداد مصاحبه‌ها تا مرحله اشباع ادامه یافت. به گونه‌ای که با ۱۰ متخصص و ۱۵ ساکن مصاحبه شد. سپس با بهره‌گیری از روش گراند تئوری با استفاده از نرم‌افزار MaxQDA، تحلیل مصاحبه‌ها انجام شد. در این مرحله پژوهشگران با کمک روش گروه مرکز (متشکل از ۷ نفر از اساتید و نخبگان شهری) و به منظور اولویت بندی مسائل، به ترسیم شبکه مسائل و چگونگی ارتباط میان آنها با هم (از طریق نرم افزار Gephi) پرداختند. بر اساس نتایج، مسائل پر تکرار و چالشی، استخراج و در نهایت با توجه به مدل نظری، پیشنهاداتی برای حل مسائل مذکور (در قالب چهار مؤلفه ساختار فضایی و به تفکیک ابعاد محیط شهری) ارائه شد. شکل ۱ فرآیند ذکر شده پژوهش را نشان می‌دهد.



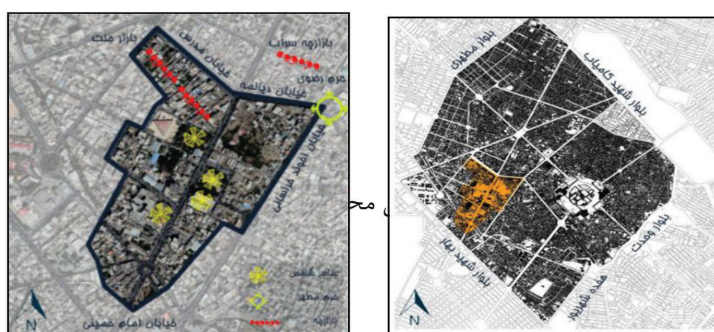
شکل ۱: چارچوب و فرایند تحقیق

مطالعه موردی: محله ارگ مشهد

محدوده ارگ مشهد از پرسابقه‌ترین بخش‌های این شهر به شمار می‌رود که از قدمت تاریخی، هویت فرهنگی و گردشگری غنی برخوردار است. این محله در حوزه مرکزی منطقه ۸ شهر مشهد قرار دارد. اولین خیابان این محله در دوران پهلوی ۱۳۰۷ ایجاد شده است (ر.ک: متولی حقیقی، ۱۳۹۲؛ رضوانی، ۱۳۸۴). موقعیت جغرافیایی این محله به گونه‌ای است که در جنوب غربی و در جوار حرم رضوی قرار دارد. این محله از شرق به خیابان اخوند خراسانی، از شمال به خیابان دیالمه، از جنوب به خیابان بهار و از غرب می‌توان آن را به خیابان دانشگاه محدود دانست. این محله در گذشته محل سکونت افراد صاحب نفوذ و طبقات ثروتمند جامعه شهری بود. وجود فضاها و قطعات شاخصی نظیر بانک ملی، اداره دارایی، هلال احمر، شهرداری، هتل پارس، ستاد ارتش، پست و تلگراف، ثبت، ساختمان چهار طبقه، باغ ملی و میدان ارگ، سبب شد تا این محله به یکی از محلات صاحب نام شهر مشهد تبدیل و به واسطه فضاها و فعالیت‌های شاخص موجود،

جمعیت بسیار زیادی را جذب کند (ر.ک: رضوانی، ۱۳۸۴).

با این وجود با گذشت زمان و عدم بازتعریف این محله در جریان شهر امروز، فرسودگی و اضمحلال گریبان‌گر این محله شده و موقعیت آن را از محله ارگ به عنوان یک فضای شهری در شهر گذشته به فضایی در شهر امروزی تنزل داده است (ر.ک: متولی حقیقی، ۱۳۹۲). وجود عواملی همچون هجوم ترافیک سواره، تراکم و تداخل‌های ناسازگار فعالیتی، حضور مهاجران و غیره موجب افول هویت شهری آن شده است. تاجایی که ارزش‌های پیشین محله مورد تهدید قرار داده و باعث سرگشتگی و گمشدگی این محله در توسعه‌های جدید شده است. خروج محله از جریان توسعه سبب شده تا توسعه‌های جدید بدون ارتباط با چارچوب محتوایی و ماهوی محله به تولید اجزای کالبدی- فعالیتی جدید پردازند. در این میان، معادل‌هایی از محله گذشته که در جریان توسعه جدید مورد باز تعریف قرار نگرفته‌اند به مرور زمان دچار فراموشی شده و مطرود و متروک می‌شود. شکل ۳، اطلاعاتی در خصوص وضعیت فعلی محله ارگ نمایش می‌دهد.



شکل ۲: موقعیت جغرافیایی محله ارگ نسبت به حرم مطهر



شکل ۳: ساختمان‌های تاریخی محله ارگ تصاویر از راست به چپ، هتل پارس، فرهنگسرای بهشت، کلیسای مسروپ، خانه ملک

یافته‌های پژوهش

پس از شناخت و تحلیل محله مورد مطالعه (از منظر پژوهشگران)، به تفکیک ابعاد محیط شهری و دستیابی به مجموعه‌ای جامع از مسائل، به منظور رسیدن به اشباع مسائل و پرکردن شکاف‌های موجود در بخش

نظری (ساختارفضایی)، از مصاحبه نیمه ساخت یافته استفاده شد. داده‌های حاصل از مصاحبه با متخصصین و نخبگان شهرسازی و مردم، با استفاده از ابزار Maxqda تحلیل و مجموعه مسائل شناسایی، دسته‌بندی و در قالب جدول ۵ ارائه گردید.

جدول ۵: تحلیل وضع موجود محله ارگ از نگاه پژوهشگر، متخصصین و مردم

ابعاد محیط شهری	مسائل
مورفولوژی	عدم وجود ضوابط ساخت و ساز مشخص و ساخت د ر حریم قطعات تاریخی
	عدم توجه به سلسله مراتب معابر و آشفته‌گی عملکردی معابر سطح دو
	بی توجهی به تناسب فضای سخت و عرصه‌های باز جمعی
	فرسودگی و تخریب ابنیه تاریخی و با ارزش و عدم رسیدگی به آنها
بصری	ازدحام ترافیک در تقاطع‌های اصلی و کمبود پارکینگ و فضای پارک در محله و استفاده از قطعات بایر به منظور پارک خودرو
	افزایش روند فرسودگی در قطعات تاریخی در بی عدم توجه به نوسازی قطعات قدیمی و ساخت بناهای جدید بدون ضابطه
	عدم وجود ارتباط بصری بین نماهای جدید و قطعات تاریخی
	بی توجهی به تناسبات بصری با ارزش گذشته و از بین رفتن خط آسمان در لبه‌های با ارزش تاریخی
ادراکی	عدم وجود نشانه‌های عملکردی شاخص در محدوده
	آشفته‌گی نما و تأثیر بر حس بینایی، کاهش ادراک فرد از ساختار اصلی
	آشفته‌گی شناختی و ادراکی جداره‌ها در هنگام تردد در فضا
	تحت تأثیر قرار گرفتن حس مکان و کاهش حس تعلق در محدوده
	تأثیر جداره سازی‌ها بر روی نماهای گذشته سبب تأثیر در خوانایی
	عدم وجود مبلمان شهری مناسب در فضا برای استفاده کنندگان
اجتماعی	افزایش روند مهاجرت‌ها به خارج از بافت و ورود مهاجران
	نامنی فضا در ساعات پایانی روز برای گروه‌های مختلف به دلیل مشاغل کاذب و ۱۲ ساعته
	مبلمان شهری نامناسب در محدوده
	تحت تأثیر قرار گرفتن ارزش‌های تاریخی محدوده به واسطه شکل گیری کارکردهای نامرتبط با هویت بافت
	عدم توجه به حضور گروه‌های نامناسب و کنترل فعالیت آنها
عدم نماسازی مناسب قطعات و بی توجهی به ترکیب به بافت قدیم	
بحران در هنگام سوانح به دلیل بی توجهی به قطعات فرسوده تاریخی	
تداخل سواره و پیاده و عدم وجود طراحی مناسب برای تفکیک فضا	
ضعف حمل و نقل عمومی و عدم سرویس دهی مناسب در معابر اصلی	
ازدحام ترافیک در تقاطع‌های اصلی و کمبود پارکینگ و فضای پارک در محله و استفاده از قطعات بایر به منظور پارک خودرو	
افزایش روند فرسودگی در قطعات تاریخی در بی عدم توجه به نوسازی قطعات قدیمی و ساخت بناهای جدید بدون ضابطه	
عدم وجود ارتباط بصری بین نماهای جدید و قطعات تاریخی	
بی توجهی به تناسبات بصری با ارزش گذشته و از بین رفتن خط آسمان در لبه‌های با ارزش تاریخی	
عدم وجود نشانه‌های عملکردی شاخص در محدوده	
آشفته‌گی نما و تأثیر بر حس بینایی، کاهش ادراک فرد از ساختار اصلی	
آشفته‌گی شناختی و ادراکی جداره‌ها در هنگام تردد در فضا	
تحت تأثیر قرار گرفتن حس مکان و کاهش حس تعلق در محدوده	
تأثیر جداره سازی‌ها بر روی نماهای گذشته سبب تأثیر در خوانایی	
عدم وجود مبلمان شهری مناسب در فضا برای استفاده کنندگان	
افزایش روند مهاجرت‌ها به خارج از بافت و ورود مهاجران	
نامنی فضا در ساعات پایانی روز برای گروه‌های مختلف به دلیل مشاغل کاذب و ۱۲ ساعته	
مبلمان شهری نامناسب در محدوده	
تحت تأثیر قرار گرفتن ارزش‌های تاریخی محدوده به واسطه شکل گیری کارکردهای نامرتبط با هویت بافت	
عدم توجه به حضور گروه‌های نامناسب و کنترل فعالیت آنها	

مسائل		ابعاد محیط شهری
عدم شکل‌گیری مکان سوم و کاهش کارایی فضاهای عمومی در ساعات پایانی شب	عدم وجود فعالیت‌های ۲۴ ساعته در طول روز در برخی از سکانس‌های محدوده	زمانی
نامنی برخی از نقاط فضا در ساعات پایانی شب	عدم کارکرد سابق و شکل‌گیری فعالیت‌های ناهمگون	
آلودگی‌های صوتی، هوا و محیط و بی‌توجهی به آسایش محیطی به واسطه سواره بودن معابر فرعی	از بین رفتن برخی از کارکردهای بومی و تاریخی محدوده به واسطه عدم توجه به کالبد قطعات تاریخی	
	عدم پاسخگویی به نیازهای کاربران در درون محدوده	عملکردی
عدم رغبت به شکل‌گیری فعالیت‌ها یا رویدادهای مختلف به سبب عدم وجود فضاهای طراحی شده	کاهش عرصه‌های عمومی دارای پتانسیل کارکردی و شکل‌گیری خرده فضاهای بلااستفاده	
اختلال فضا به علت فعالیت‌های نادرست (دلان ارز، سمساری‌ها)	عدم وجود فعالیت‌های شبانه روزی در محدوده	
پاسخگو نبودن و کاهش کارایی فضا و فعالیت‌ها به دلیل استفاده بیش از حد از عملکردها با افزایش جمعیت	عدم ساماندهی و مدیریت فعالیت‌های کاذب	
عدم وجود فعالیت‌های متنوع در بدنه جداره‌ها و شکل‌گیری نامنی	بی‌توجهی به تجهیز فضا برای گروه‌های مختلف حساس	
عدم وجود خرد فعالیت‌های مختلط در درون محدوده	ازدحام و شلوغی ناشی از مقیاس عملکردی شهری قطعات موجود در محله	
عدم اختلاط رویدادها و فعالیت‌ها در جداره‌های محدوده	عدم وجود فعالیت‌های عامه پسند و تفریحی	
عدم وجود رویداد یا فعالیت در خرد فضاهای موجود در درون محدوده	عدم تعریف کارکردهای نوین و رقابت‌پذیری اقتصادی (قطعات تاریخی)	
مدیریت مشاغل کاذب در تضاد با هویت محله و عدم تعریف کارکرد نوین	عدم مدیریت و ازدحام ناشی از کارکردهای با مقیاس عملکردی شهری	

بوده که موید کیفیت ارتباط (تأثیرگذاری و تأثیر پذیری) بین مسائل می‌باشد. شکل ۴ نمونه ای از مسائل موجود در محله ارگ به تفکیک تأثیر پذیری و تأثیرگذاری بر یکدیگر نشان می‌دهد.

مطابق با تحلیل‌های صورت گرفته بیشترین درجه تأثیرپذیری مسائل به ترتیب مربوط به کیفیت‌های محیطی نامناسب، از بین رفتن حس مکان، ضعف ناشی از شکل‌گیری بحران (به دلیل فرسودگی قطعات) و ازدحام جمعیتی (ناشی از مقیاس عملکردی فعالیت‌ها) می‌باشد. بررسی‌ها حاکی از آن است که لازمه رفع این مسائل،

مطابق جدول ۵، مجموعاً ۷۳ مسئله مرتبط با ساختار فضایی در محله ارگ شناسایی شده است. در ادامه پژوهشگران با کمک روش گروه مرکز (متشکل از ۷ نفر از اساتید و نخبگان شهری) و به منظور اولویت بندی مسائل، به ترسیم شبکه مسائل و چگونگی ارتباط میان آنها با هم پرداختند. سپس بر مبنای نتایج مرحله قبل، رابطه بین مسائل و چگونگی اثرگذاری آنها بر یکدیگر به صورت دو به دو ترسیم شد. این فرآیند با کمک نرم‌افزار Gephi انجام گردید. مطابق با بررسی‌های به عمل آمده شبکه شناسایی شده حاوی ۷۳ نقطه (مسئله) و ۱۵۸۸ رابطه

(ناشی از شکل‌گیری فعالیت‌های نامرتبط با محله)، نبود فعالیت‌های مناسب (اختلال عملکردی فضا و فعالیت‌ها، ورود جمعیت بیگانه) منجر به اختلال آسایش روانی و اجتماعی کاربران فضا شده و به ارزش‌های بنیادین ساختار فضایی محله ارگ لطمه وارد می‌کند.

توجه به علل کلیدی و بنیادی است که منجر به ایجاد پیش‌زمینه‌ای برای شکل‌گیری مسائل حادث‌تر در ابعاد محیط شهری در ساختار فضایی محله ارگ می‌شود. مسائل تأثیرگذار نظیر عدم وجود فعالیت‌های شبانه‌روزی (کاهش سرزندگی) در محله، بی‌توجهی به ارزش‌های کهن اجتماعی



شکل ۴: سمت راست تأثیرگذارترین مسائل، سمت چپ تأثیرپذیرترین مسائل را نشان می‌دهد

موجود در محله تاریخی ارگ می‌باشند که از طریق بازآفرینی فرهنگی امکان پاسخ به آن وجود دارد.

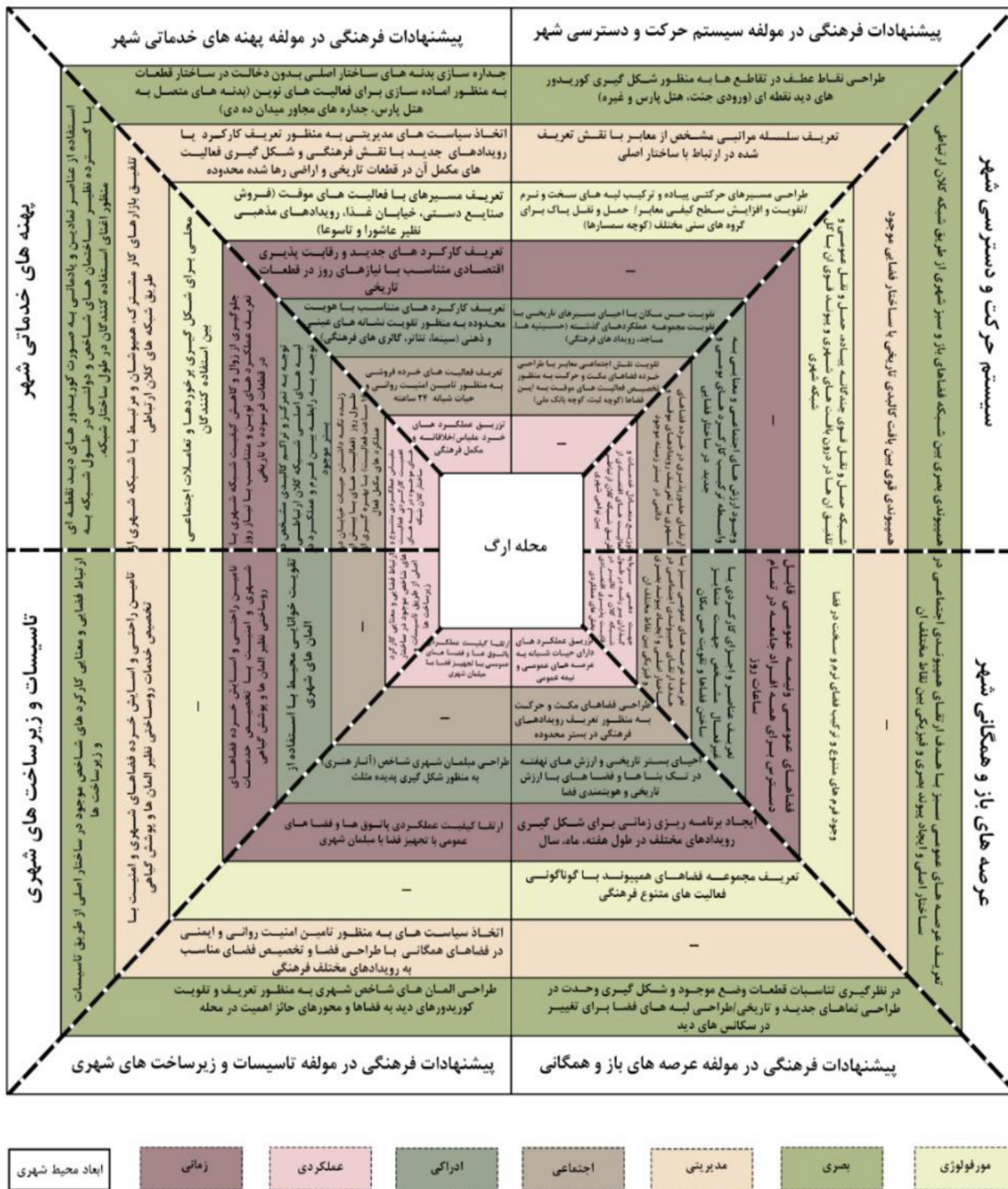
در این پژوهش به منظور حل مسائل موجود در محله ارگ و تعریف مجموعه‌ای جامع از پیشنهادات با توجه به مبانی نظری، در قالب شکل ۵ پیشنهاداتی برای حل مسائل ترسیم شده (در قالب چهار مؤلفه ساختار فضایی و به تفکیک ابعاد محیط شهری) مطرح گردید. مطابق این شکل بازآفرینی فرهنگ مبنای ساختار فضایی محلات تاریخی در ۴ دسته سیستم حرکت و دسترسی، پهنه‌های خدماتی، عرصه‌های باز و همگانی و تاسیسات شهری قابل طبقه‌بندی است. غالب راهبردهای فرهنگی مطرح شده در ساختار فضایی محلات مرتبط با سیستم‌های حرکت و دسترسی عبارتند از: احیای گذرها و فضاهای تاریخی و تعریف مجموعه‌ای از شبکه فضاهای باز

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

پژوهش حاضر به بررسی ساختار فضایی محله تاریخی ارگ به عنوان یکی از محلات با ارزش و دارای هویت شهر مشهد پرداخته است تا از این طریق ضمن تعریف معیارهای بازآفرینی فرهنگ مینا در مؤلفه‌های ساختار فضایی چارچوب لازم برای مداخله فرهنگی در محلات تاریخی را فراهم کند. مطابق با یافته‌های پژوهش، فرسودگی و تخریب ابنیه تاریخی و با ارزش و عدم رسیدگی به آنها، عدم وجود ضوابط ساخت و ساز مشخص، عدم رغبت به شکل‌گیری فعالیت‌ها یا رویدادهای مختلف به سبب عدم وجود فضاهای طراحی شده، عدم تامین نیازهای محلی در درون محله توسط کارکردهای موجود، ایجاد اختلال در عملکردها به دلیل عدم توجه به نوسازی قطعات تاریخی، عدم سرزندگی بالای خیابان و عدم وجود فعالیت‌های ۲۴ ساعته از جمله عمده مسائل

راهبردهای مطرح شده در این پژوهش تا حدود بسیاری هم سو با مطالعات پیشین بوده ولیکن علی رغم توجه این پژوهش ها به بسترهای گوناگون، راهبردهای فرهنگی پیشنهادی در سه بخش فرم، فعالیت و معنا مطرح شده و از نظر فضایی جایگاهی ندارند و صرفاً در قالب پیشنهادات کلی مطرح شده اند.

شهری، استفاده از الگوهای متنوع مسکن و در نظرگیری سبک های گذشته به منظور نمایان ساختن فرهنگ و راهبردهای مرتبط با پهنه خدمات شامل جایگزینی فعالیت های نوین و به روز با فعالیت های قدیمی به منظور تقویت اقتصاد محلی، احیای بستر لازم برای شکل گیری مکان های سوم با تعریف مجموعه فعالیت های مکمل است.



شکل ۵: پیشنهادات فرهنگی مطرح شده در خصوص ساختار فضایی محله ارگ

منابع

عمل (مورد شهر کرج)، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ۲۶(۱۰۲): ۱۰۰-۷۳.

رضوانی، علی رضا (۱۳۸۴) در جستجوی هویت شهری مشهد، مشهد، انتشارات وزارت مسکن و شهرسازی.

زنگنه، یعقوب و جواد فرهادی و وجیه توبی (۱۳۹۲) تبیین و اولویت بندی مداخله در بافت‌های فرسوده شهری با استفاده از روش AHP نمونه موردی: مشهد، محله نوغان (قطاع ۲). مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۱۴(۱۲): ۴۹-۶۲.

زبردست، اسفندیار و هادی شاد زاویه (۱۳۹۰) شناسایی عوامل موثر بر پراکنده رویی شهری و ارتباط آن با ساختار فضایی شهر (نمونه مورد مطالعه: شهر ارومیه)، نامه معماری و شهرسازی، ۴(۷): ۱۱۲-۸۹.

زبردست، اسفندیار و پدرام رضایی (۱۳۹۶) سنجش ماهیت توسعه چندمرکزی مجموعه شهری رشت، فصلنامه مطالعات ساختار و کارکرد شهری، ۴(۱۵): ۵۳-۳۲.

صفدری، سیما و محمدرضا پورجعفر و احسان رنجبر (۱۳۹۳) بازآفرینی فرهنگ مینازمین سازه ارتقاء تعاملات فرهنگی (نمونه موردی: بافت تاریخی شهر مشهد)، نشریه شهرسازی و معماری هفت شهر، ۴(۴۸): ۳۹-۲۵.

صیامی، قدیر و سید امیر کابلی فرشچی و علی رفعتی گنابادی (۱۳۹۵) نقش آفرینی عناصر کالبدی هویت بخش در تجدید حیات بافت‌های تاریخی-فرسوده شهری (مطالعه موردی: محور تاریخی ارگ در شهر مشهد). فصلنامه علمی پژوهشی خراسان بزرگ، ۷(۲۳): ۴۵-۶۲.

صرافی، مظفر (۱۳۹۷) رهیافت بازآفرینی شهری رادیکال برای چیرگی بر ناپایداری توسعه ایران. نشریه معماری و شهرسازی هفت شهر، ۴(۶۲): ۵۷-۶۱.

باستانی، مژده و تکتم حنایی (۱۳۹۹) مطالعه تطبیقی تاب‌آوری اجتماعی در راستای اهداف بازآفرینی شهری (نمونه موردی: محالت ایران؛ فیلیپین و مالزی). نشریه شهر ایمن، ۳(۹): ۱-۱۷.

بحرینی، حسین و بهناز بلوکی و سوده تقابن (۱۳۸۸) تحلیل مبانی نظری طراحی شهری معاصر، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

بحرینی، حسین و محمد سعید ایزدی و مهرانوش مفیدی (۱۳۹۳) رویکردها و سیاست‌های نوسازی شهری (از بازسازی تا بازآفرینی شهری پایدار)، فصلنامه علمی و پژوهشی مطالعات شهری، ۳(۹): ۱۷-۳۰.

بخشی، مینا و سعید پیری و علی رضا استعلاجی (۱۴۰۱) باز آفرینی محور فرهنگی با تأکید بر ارتقا کیفیت محیط. نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، ۲۳(۶۷): ۲۴۱-۲۵۷.

بزرگر، محمدرضا (۱۳۸۶) شهرسازی و ساختار اصلی، شیراز، انتشارات کوشامهر.

پاکدامن، بهروز (۱۳۷۲) نکاتی درباره طراحی شهرهای جدید، نشریه ابادی، ۸(۱): ۱۰-۱.

حمیدی، ملیحه و محسن حبیبی و جواد سلیمی (۱۳۷۶) استخوان بندی شهر تهران، تهران، معاونت فنی و عمرانی شهرداری تهران.

خان محمدی، مرجان و محمود قلعه نویی (۱۳۹۵) باز آفرینی مبتنی بر فرهنگ از طریق توسعه صنایع خلاق و تبیین محله‌های فرهنگی در بافت‌های تاریخی شهر، فصلنامه علمی مرمت و معماری ایران، ۶(۱۲): ۸۴-۶۷.

رزاقی، حبیب‌الله و کرامت‌الله زیاری و نوید سعیدی رضوانی (۱۳۹۰) مدل چند هسته‌ای و چند مرکزی شهر و کلانشهری، از نظریه تا

عندلیب، علی رضا (۱۳۹۶) اصول نوسازی متوازن بافت‌های فرسوده شهری. نشریه باغ نظر، ۱۴(۴۸): ۵-۱۶.

غفوری، فواد و ایمان قلندریان (۱۴۰۲) باز آفرینی خیابان چهارباغ هرات با هدف ارتقاء هویت مکان، نشریه باغ نظر، ۲۰(۱۲۳): ۵۶-۴۵.

قرائی، آزاده و اسفندیار زبردست و حمید ماجدی (۱۳۹۷) گونه‌شناسی فرم شهر و ساختار فضایی پایدار با نظری بر شهر تهران، هویت شهر، ۱۴(۱): ۳۲-۱۷.

قلندریان، ایمان (۱۴۰۱) تحلیل جریان مهاجرت میان شهرستانی در استان‌های خراسان (طی دوره ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵)، پژوهشنامه خراسان بزرگ، ۱۲(۴۶): ۴۲-۲۵.

قلندریان، ایمان و مجتبی رفیعیان (۱۳۹۷) تبیین مدل کیفیت محیط در بازآفرینی شهر ایرانی اسلامی، نشریه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ۹(۳۴): ۵۸-۴۹.

لطفی، سهند (۱۳۹۰) بازآفرینی شهری فرهنگ مبنا: تأملی بر بن مایه‌های فرهنگی و کنش بازآفرینی، نشریه هنرهای زیبا، ۳(۴۵): ۶۲-۴۹.

لطفی، سهند (۱۳۹۰) تبیین تبارشناسی بازآفرینی شهری از بازسازی تا نوزایی، شیراز، انتشارات آذرخش.

لطفی، سهند و مهسا شعله و فاطمه علی اکبری (۱۳۹۵) تدوین چارچوب مفهومی کاربست اصول و آموزه‌های باز آفرینی شهری فرهنگ مبنا (مورد پژوهی: بافت تاریخی شیراز)، نشریه معماری و شهرسازی ایران، ۸(۱): ۲۴۵-۲۲۹.

متولی حقیقی، یوسف (۱۳۹۲) تاریخ معاصر مشهد: پژوهشی پیرامون تاریخ تحولات سیاسی-اجتماعی مشهد از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی، مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی شهر مشهد، انتشارات مشهد.

معیدفر، سعید (۱۳۹۷) رهیافت‌هایی درباره سیاست‌گذاری در بافت فرسوده و سکونتگاه

غیررسمی، نشریه معماری و شهرسازی هفت شهر، ۴(۶۲): ۶۲-۶۶.

مفیدی، مهرانوش و تقی قاسم شریفی (۱۳۹۸) از آفرینی فرهنگ مبنا با تأکید بر توسعه اجتماع محلی پایدار (مورد پژوهی: بافت تاریخی محله راه ری قزوین)، فصلنامه جغرافیا و روابط انسانی، ۲(۱): ۳۰۱-۲۶۸.

ملک زاده، ندا و هاشم داداش پور و مجتبی رفیعیان (۱۴۰۰) فرا مطالعه مطالعات مرتبط با ساختار فضایی شهری و منطقه‌ای در ایران در بازه زمانی ۱۳۸۰-۱۳۹۸، نشریه معماری و شهرسازی ایران، ۱۲(۱): ۵۷-۳۷.

مولایی، محمد مهدی و رسول سلیمانی (۱۳۹۶) رشد اقتصادی و توسعه شهری از طریق بازآفرینی خانه‌های ارزشمند تاریخی نمونه موردی: خانه‌های تاریخی شهر همدان، ۷(۳): ۱۰۴-۹۵.

مینیاتور، ارمان (۱۳۹۱) رویکرد منظرین در مرمت شهر؛ پروژه نظام الدین بستی، شبکه یکپارچه فضاهای تاریخی و روز، ۴(۱۹): ۵۷-۵۲.

ناصری، فرناز و مجید شبازی و هومن ثبوتی (۱۳۹۹) بازآفرینی محلات شهر زنجان در تطبیق با شاخص‌های شهر ایرانی-اسلامی (نمونه موردی: محلات حسینییه و نایب آقا)، نشریه مطالعات هنر اسلامی، ۴۰(۱۷): ۳۳۳-۳۴۹.

نوبین، علی رضا و کریم حسین زاده دلبر و محمدرضا پورمحمدی (۱۴۰۰) شناسایی مؤلفه‌های تأثیرگذار باززنده سازی بافت‌های تاریخی-فرهنگی بر توسعه ی توریسم شهری (مطالعه موردی: کلانشهر تبریز). فصلنامه علمی فضای جغرافیایی، ۲۱(۷۴): ۱۵-۳۲.

Baek, Y., Changmu, J., & Heesun, J. (2021) Culture and Urban Regeneration. The Role of Cultural Investment for Community Development and Organization of Urban Space. Sustainability, 13(15), 1-21.

- Kim, G., Newman, G., & Jiang, B. (2020) Urban regeneration: Community engagement process for vacant land in declining cities. *Cities*, 56(102), 1-12.
- Kim, J. Y. (2015) Cultural entrepreneurs and urban regeneration in Itaewon, Seoul. *Cities*, 56, 1-9.
- Lak, A., Gheitasi, M., & Timothy, D. J. (2019) Urban regeneration through heritage tourism: cultural policies and strategic management. *Journal of Tourism and Cultural Change*, 18(4), 1-18.
- Lazarevic, E. V., Koruznjak, A. B., & Devetakovic, M. (2015) Culture design-led regeneration as a tool used to regenerate deprived areas. Belgrade—The Savamala quarter; reflections on an unplanned cultural zone. *Energy and Buildings*, 115, 1-8.
- Lehmann, S. (2010) LESSONS FROM EUROPE FOR CHINA? New Urban Sub-Centres for a Polycentric Network City. *Journal of Green Building*, 5(1), 88-100.
- Li, X., Zhang, F., Chi-man Hui, E., & Lang, W. (2020) Collaborative workshop and community participation: A new approach to urban regeneration in China. *Cities*, 102, 1-12.
- Maroufi, H., & Rosina, E. (2017) Cities Hosting Holy Shrines: The Impact of Pilgrimage on Urban Form. *International Journal of Architecture & Planning*, 5, 30-44.
- Mccarthy, J. (2005) Promoting Image and Identity in 'Cultural Quarters': the Case of Dundee. *Local Economy*, 20(3), 280-293.
- Middleton, C., & Freestone, P. (2008) The Impact of Culture-Led Regeneration on Regional Identity in North East England. *Journal of Urban Regeneration and Renewal*, 51(1), 51-58.
- Carmona, M., Heath, T., Oc, T., & Tiesdell, S. (2011) *Public Places Urban Spaces* (2nd ed.). Routledge Press.
- Chen, X., Zhu, H., & Yuan, Z. (2020) Contested memory amidst rapid urban transition: The cultural politics of urban regeneration in Guangzhou, China. *Cities*, 102, 1-11.
- Dejana, N., Milena, K., & Zlatomir, G. (2019) Post-socialist context of culture-led urban regeneration - Case study of a street in Novi Sad, Serbia. *Cities*, 85(72-82).
- Dempsey, N., Brown, C., Raman, S., Porta, S., Jenks, M., Jones, C., & Bramley, G. (2008) *Elements of Urban Form*.
- Evans, G., & Shaw, P. (2004) *The Contribution of Culture to Regeneration in the UK: A Review of Evidence*. Metropolitan University Press.
- Falanga, R. (2022) Understanding place attachment through the lens of urban regeneration. *Insights from Lisbon*. *Cities*, 122, 1-5.
- Florida, R. (2005) *Cities and the Creative Class*. Routledge Press.
- Ghalandarian, I., & Goharipour, H. (2021) Requiem for the spiritual experience: Reconceptualising 'quality of the environment' by looking at the renovation process of the Samen district in Mashhad, Iran. *Journal of Urban Regeneration and Renewal*, 17(1), 38-52
- Gokce, D., & Chen, F. (2021) Multimodal and scale-sensitive assessment of sense of place in residential areas of Ankara, Turkey. *Journal of Housing and the Built Environment*, 36(1), 1077-1101.
- Jung, T. H., Lee, J., Yap, M. H., & Ineson, E. M. (2015) The role of stakeholder collaboration in culture-led urban regeneration: A case study of the Gwangju project, Korea. *Cities*, 44, 29-39.

- Środa-Murawska, S. (2020) Railway feat. culture - Rumia library effect as an example of the influence of culture-led regeneration in a medium-sized city in Poland. *Cities*, 106, 1-11.
- Wang, M. (2018) Place-making for the people: Socially engaged art in rural China. *China Information*, 32(2), 244-269.
- Ward, J. (2016) Down by the sea: visual arts, artists and coastal regeneration. *International Journal of Cultural Policy*, 32(2), 1-18.
- Wei, L., Luo, Y., Wang, M., Cai, Y., Su, S., Li, B., & Ji, H. (2020) Multiscale identification of urban functional polycentricity for planning implications: An integrated approach using geo-big transport data and complex network modeling. *Habitat International*, 97(129), 102-134.
- Xu, X., Xue, D., & Huang, G. (2022) The Effects of Residents' Sense of Place on Their Willingness to Support Urban Renewal: A Case Study of Century-Old East Street Renewal Project in Shaoguan, China. *Sustainability*, 14(3), 1-13.
- Živković, J. (2019) Urban Form and Function. *Journal of Environmental Research*, 1, 1-10.
- Mirzakhani, A., Turró, M., & Jalilisadrabad, S. (2021) Key stakeholders and operation processes in the regeneration of historical urban fabrics in Iran. *Cities*, 118, 1-17.
- Montgomery, J. (2003) Cultural quarters as mechanisms for urban regeneration. Part 1: Conceptualising cultural quarters. In *Planning Practice and Research* 18(4): 293-306.
- Montgomery, J. (2010) Cultural quarters as mechanisms for urban regeneration. Part 2: a review of four cultural quarters in the UK, Ireland and Australia. *Planning Practice & Research*, 19(1), 3-31.
- Quinn, B. (2010) Arts festivals, urban tourism and cultural policy. *Journal of Policy Research in Tourism, Leisure and Events*, 2(3), 264-279.
- Remesar, A. (2020) Public Art in Urban Regeneration. Piotrkowska street. *Pride of a city: Łódź. On the W@terfront*, 62(5), 29-78.
- Roberts, P., & Sykes, H. (2000) *Urban Regeneration: A Handbook*. SAGE Publications.
- Smyth, H. (2015) *Marketing the City: The role of flagship development in urban regeneration*. Routledge Press.

پیوست: سوالات مصاحبه

<p>۱- تحولات شکل گرفته در سطح محله غالباً به چه صورت بوده است؟ فرسودگی در چه ابعادی از زندگی افراد خلل ایجاد کرده است؟</p> <p>۲- موانع رونق فعالیت‌ها در محله ارگ چیست؟ آیا موانع یا مسائلی در فرایند بهسازی فعالیت‌ها وجود دارد؟</p> <p>۳- نظام ادراکی موجود در محدوده را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ آیا همنشینی قطعات نوساخت با مجموعه‌های تاریخی تهدیدی برای هویت محدوده بوده یا می‌توان از آن به عنوان فرصت استفاده کرد؟</p> <p>۴- از منظر هویتی، چه عامل یا عواملی سبب افزایش روند مهاجرت از بافت و ورود جمعیت جدید به آن شده است؟</p> <p>۵- با توجه به ماهیت محله ارگ، چه معضلات اجتماعی در سطح محدوده وجود دارد؟ این معضلات را در چه سطوحی طبقه بندی می‌کنید؟ آیا پاتوق‌های موجود در سطح محله به خوبی پاسخگوی نیاز افراد است؟</p>	<p>پرسش از حرفه‌مندان</p>
<p>۱- علت حضور شما در این محدوده چیست؟</p> <p>۲- نظر شما در خصوص قطعات فرسوده و قدیمی چیست؟ آیا تمایل دارید این قطعات حفظ شوند یا ساختمان‌های جدیدی جایگزین آنها شوند؟</p> <p>۳- از نظر شما میزان خدمات و دسترسی به آن در محدوده مناسب است؟ آیا این خدمات به خوبی پاسخگوی نیازهای روزمره شما هستند؟</p> <p>۴- در چه ساعاتی از روز بیشتر در محله حضور دارید؟ علت حضور شما در این ساعات چیست؟</p>	<p>پرسش از کاربران</p>